

دیوار بلند بی اعتمادی دولت و ملت



فاطمه راکعی
فعال سیاسی، فرهنگی

معنویات و ارزش های اجتماعی از میان می رود. به دلیل سخنان بی پایه متعددی که مردم از سوی دولت قبلی دیده و شنیده اند و جز خلف وعده و اجفاف به حقوق مردم کاری صورت نگرفته است، ملت هم توجهی به خواسته های دولت نداشته و سعی می کنند تا آن جایی که می شود کلاهشان را سفت بگیرند تا آن راهم پاد نبرد. ظاهر اکثریت به این نتیجه رسیده اند که یک قدم از حقوق خود در برابر دولت عقب نشینی نکنند. جالب آن که رفتاری که مردم در اوایل انقلاب و در طول جنگ داشته اند، نسبت به الان بسیار متفاوت شده و به نوعی به دولت نمردان نشان داده اند که دیگر به حرف های آنها اعتمادی ندارند. این ملت به دلیل بی مهری هایی که از دولت ها دیده اند، اعتماد و دیگر صداقتی در عملکرد دولت ها برایشان متصور نمی شود و فکر می کنند با مبارزه منفی به نوعی اعتراض خود را به این نحوه عملکرد دولت نمردان اعلام کنند.

البته برای از میان بردن دیوار بی اعتمادی هیچ کار مثبت و مفیدی هم از سوی دولت تاکنون صورت نگرفته است، برای بیرون رفتن از این شرایط باید کار فرهنگی منسجم و با تکیه بر نهادهای مدنی و مشارکت نخبگان جامعه صورت می پذیرفت که تاکنون به دلیل مشکلات پیشماری که دولت به آن گرفتار شده، نتوانسته است تعاملات و فضای گفت و گو را بسازد.

امید باید اطلاعات کافی را در اختیار گروه های مدافع حقوق شهروندی، نهادهای مردمی و مدنی قرار دهد تا از طریق آنها این فضای مسموم پیش آمده تغییر یابد. تا زمانی که اطلاعات مشکلات و معضلات دولت برای مردم شفاف سازی نشود، چگونه می توان از ملت انتظار داشت تا به کمک دولت بی اعتمادی پایه آنها اعتماد کنند. دو عامل باعث شده است رابطه بین دولت و ملت تغییر نکند. یکی آن که دولت هنوز فرصت نکرده تا

احساس کند خادم واقعی مردم است زیرا مشکلات در فضای سیاسی داخلی، مدام شرایط را برای کار صادقانه به تأخیر می اندازد. دولت مدام از سوی جناح های مخالف به چالش کشیده می شود و گروه های فشار هم به نوعی با عملکرد دولت و فعالیت آن در تمامی حوزه ها مخالفت می کنند. دیگر این که برای رسیدن به اهداف مشترک، ملت باید به این نتیجه برسد که دولت به تنهایی از پس حل مشکلات متعدد بر نمی آید. تنها نباید به مصاحبه های رئیس جمهوری و سخنگویی دولت اکتفا کرد، باید با حمایت واقعی از رسانه در صدد پاکسازی تصورات غلط مردم بر آید. تا زمانی که دولت ملی به معنای واقعی کلمه میان دولت و ملت به وقوع نپیوندد، مسلمان اختلافات از میان نمی رود. تمامی دولت نمردان وظیفه دارند تا تنگی که بر پیشانی آنها به دلیل اختلاس های صورت گرفته، زده شده است و همچنین به دلیل دروغ هایی که از سوی دولت قبلی به

مردم گفته شده است، با درخواست کمک از نهادهای مدنی و مردمی راه دراز را به تخریب و اشکال تراشی های می خورد برای مقابله با دولت ببردازند. در زمانی که هنوز وزارت علوم نتوانسته بود، بخش کوچکی از مشکلات پیش روی به جامانده از دولت قبل را از جلوی راه بردارد، با استیضاح زودهنگام وزیر، با ساماندهی به وزارت بخانه بازگشت و شرایط برای دانشگاهیان و قشر دانشجو به معضل مدیریتی تبدیل شد.

باید همه طیف های فکری و خطی به دور از تفکرات سیاسی از چوب لای چرخ دولت گذاشتن، امتناع کنند و برای بازگشت به وضع قبل که ملت به مدت چندین سال اعتماد کنند و در کنار دولت نمردان قرار گیرند، تمامی توان و همت خود را برای ایجاد جو صداقت و تعامل، و باز کردن فضای گفت و گو میان دولت و ملت به منظور واقعی ترسیم شود. این کار جز با بالابردن آگاهی عمومی و درخواست واقعی از مردم برای کمک به خادمان خود امکان پذیر نخواهد بود و جهت رسیدن به این هدف نقش نهادهای مدنی و مردمی و مسلمانان جامعه نخبگان و اندیشمندان در تمامی حوزه ها ضرورت می یابد.

آگاهان سیاسی و فعالان در حوزه های اجتماعی و فرهنگی به خوبی به این امر واقفند که تا مشارکت مردم نیابند، کاری از پیش نخواهد رفت و همچنان در معضلات و مشکلات دست و پایی ز نیم

مردم در برخی موارد نمی دانند بسیاری از زیرساخت های کشور در دولت قبل به کلی از میان رفته و تعداد زیادی از ارگان ها و سازمان ها به دلیل کمبود اعتبارات و نداشتن بودجه نمی توانند فعالیت درستی را برای خدمت رسانی به مردم ارائه دهند. این مسائل باید بازگو شود، این حق مردم است تا در جریان واقعی امور پیش آمده و در شرف وقوع قرار گیرند. باید دولت از حضور کارشناسان و صاحب نظران به خصوص جامعه شناسان و جامعه هنرمندان، نهادهای مدنی و رسانه ها، برای برزفت از این وضع

رسانه ها و نهادهای مدنی، عامل اتصال دولت و ملت



مصطفی درایتی
فعال سیاسی

دولت ها از طریق همین سازمان ها و احزاب، به سمت ارتباط سیستماتیک و عمقی با مردم گام برمی دارند. در این میان آنچه بیش از همه می تواند موثر واقع شود، حضور و قدرت رسانه ها است. رسانه ها در فضایی که دولت و ملت با یکدیگر ارتباط درستی دارند، با قدرت و دقت هر چه بیشتر حضور دارند و هم برای کسب خواسته های مردم و هم برای معرفی و خواسته های دولت تلاش می کنند. در کشور ما اما از آنجایی که دولت به سهولت می توان این نظر را تأیید کرد که میان ملت و دولت حدی از شکاف ایجاد شده، که نهادهای مدنی و احزاب از قدرت و فعالیت بالایی برخوردار نیستند و از این منظر شکاف عمیقی میان ارتباط دولت و ملت با یکدیگر وجود دارد. از سوی دیگر فقدان رسانه های مستقل و آزاد نیز از جمله دیگر مواردی است که برای دستیابی به یک رابطه خوب و منطقی میان این دو نادرده گرفته شده است. چرا که رسانه ها نه در انعکاس اخبار مربوط به مردم موفق بوده اند و نه بسطیابی از دولت ها در طول تاریخ از عملکرد آنها در انعکاس اخبار مربوط به خود راضی بوده اند

آنچه بیش از همه می تواند موثر واقع شود، حضور و قدرت رسانه ها است. رسانه ها در فضایی که دولت و ملت با یکدیگر ارتباط درستی دارند، با قدرت و دقت هر چه بیشتر حضور دارند و هم برای کسب خواسته های مردم و هم برای معرفی و خواسته های دولت تلاش می کنند

و به دلیل همین ضعف در اطلاع رسانی هم تاکنون شاهد عدم هماهنگی های گسترده و عدم اعتماد میان ملت و دولت بوده ایم. این در حالی است که رسیدن به وضع مطلوب در ارتباط دولت و ملت با یکدیگر، نیازمند عزم جدی است و تنها دولت نمی تواند همین دلیل نیز ملت باید برای دستیابی به حقوق خود تلاش کند و از سوی دیگر رسانه نیز

سیاسی و سیستماتیک نیز می توان برای این ارتباط در نظر گرفت. در چنین بخشی ارتباط صرفا در سطح مورد بررسی قرار می گیرد، بلکه به صورت بسیار عمیق تری مورد خواست و بررسی دولت ها و همچنین مردم قرار دارد. این بخش نیز از طریق رسانه ها، احزاب و نهادهای مدنی، امکان بروز و ظهور می یابد. ملت از طریق نهادهای مدنی مانند سازمان های مردم نهاد و سایر نهادهای مدنی و مردم نهاد در پی ارتباط دولت و کسب حق و حقوق برای خود برمی آید و از سوی دیگر نیز

باید با حفظ استقلال خود در راه حمایت از ملت گام بردارد. از سوی حفظ و حراست از نهادهای مدنی نیز از جمله دیگر ستون هایی است که مردم باید برای حفظ آن تلاش کنند و این در حالی است که تمامی این موارد در جامعه ای ممکن خواهد بود که رسیدن به شناخت درست جامعه، به عنوان ضرورت برای دولت و ملت تلقی شود. تنها در این زمان است که می توان انتظار داشت جامعه دچار حرکت های آبی و حاد نشود و شکاف میان دولت و ملت نیز برود.

در طول سالیان و با توجه به آنچه که بر ملت ما گذشته است، شاهد فراز و نشیب های عجیب و غریب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مخصوصا در دولت قبل بوده ایم و این امر موجب شده تا فاصله عمیقی بین دولت و ملت ایجاد شود و دیوار اعتماد و تعاملات میان دولت نمردان با مردم فرو بریزد. جامعه نخبگان و روشنفکران و فعالان در عرصه های سیاسی و اجتماعی به خوبی می دانند که این دولت وارث ناهنجاری ها و ناپایداری هایی است که از دولت گذشته بر جای مانده و آنچه اکنون ملت از فشارها و معضلات در تمامی حوزه ها به خصوص در بخش اقتصادی و اجتماعی می بیند، محصول بی تدبیری و سوءمدیریتی هایی است که در طول هشت سال قبل به وجود آمده است.

اکثریت مردم واقعا با وجود مشکلات و تنگناهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیش آمده، نسبت به عملکرد دولت اعتماد نداشته و آن متأسفانه باور عمومی بر این است که هر دولتی که سر کار می آید، صرفا به علایق سیاسی، گروهی و جناحی خود می اندیشد. شعارهای اولیه که در زمان انتخابات مردم از زبان دولت ها مکرر شنیده اند، عملا به شعارهای تبلیغاتی و رنگ و رو باخته ای می ماند که هیچ گاه به واقعیت نزدیک نشده و افکار عمومی اعتماد خود را نسبت به این شعارها در طول سالیان استمدادی از دست داده اند. زمانی که دولتی بر سر کار می آید، می خواهد نشان دهد که پایبند به قول ها و متعهد به انجام آنها است، اما عموم مردم در طول سالیان دیده اند که از حرف تا عمل مسیر زیادی طی می شود، اما هزینه این شعارها را ملت پرداخته اند. زمانی که دولت ها این گونه به اخلاقیات پایبند نبوده اند، ملت نیز تنها به فکر منافع خود و اطرافیشان می افتند و سعی می کنند تا جایی که می توانند و به حقوق دیگران آسیب جدی نمی رسد، از هر طریقی منافع و مصالح خود را تأمین کنند. در این صورت بسیاری از اخلاقیات،

رابطه معکوس بین فساد سیاسی و یگانگی دولت و ملت



علی میرموسوی
استاد دانشگاه

دولت بی اهمیت هستند که نمونه بارز آن را در ماجرای ثبت نام پاره ها مشاهده کردیم. یکی دیگر از علت های جدایی دولت و ملت، فساد سیاسی است. به این معنا که میزان تأثیر گذاری ریشه و پارتی بازی و حاکم نبودن قانون و رانندگی بودن دولت اعتماد عمومی را کاهش می دهد. نظام های اقتدارگرا معمولا با سطح بالای فساد سیاسی روبرو هستند و این یکی از مهم ترین تفاوت های آنها با دولت توتالیتر است. در چنین نظام هایی فساد سیاسی به شکل نظام مند و ساختاری وجود دارد و نتیجه مهم آن نابرابری آشکار در توزیع ثروت و نیز اسراف و تبذیر است. مردم وقتی حس کنند که دولت منابع عمومی را به شکل رانت به بخشی از جامعه واگذار می کند و اموال عمومی به صورت نابرابر بین مردم توزیع می شود کم کم از دولت فاصله می گیرند. بنابراین یک رابطه معکوس بین فساد سیاسی و یگانگی رابطه دولت و ملت وجود دارد. متأسفانه در جوامع در حال گذار این فرآیند احساس هویت ملی و وابستگی به هویت سیاسی یکپارچه به تعویق می افتد و جدایی را حاصل می کند. همین جدایی بر زمینه های فرهنگی جامعه نیز تأثیر می گذارد و نوعی فرهنگ سیاسی را پرورش می دهد که بیگانگی و احساس جدایی با دولت یکم از ویژگی های آن است. این نوع فرهنگ بیانگر اختلال در روند هویت یابی به عنوان یک ملت - دولت است که در آن هر چند جامعه سیاسی به عنوان دولت - ملت شناخته می شود ولی شکاف بین دولت و مردم انسجام و تداوم آن را با دشواری روبرو می کند. به نظر می رسد یگانگی راه عبور از وضعیتی اینچنینی، برکردن شکاف یاد شده میان ملت و دولت است.



برنامه ها، اولویت ها و سیاست گذاری های مسئولان اجرایی نقشی ندارند و به همین دلیل وقتی معضلی در جامعه مطرح می شود که رف آن نیاز به همیاری و کمک تک تک مردم دارد، با بی اعتنایی و بی توجهی مواجه خواهد شد. حتی در برخی از موارد مردم از سر لج بازی برعکس عمل می کنند. نمی توان هم بر آنها خرده گرفت؛ مقصر اصلی در ایجاد این رابطه سرد و فضای شک و تردید و عدم اعتماد، مسئولان و به ویژه دولت هاستند.

دولت ها در برنامه های شان به نظر مردم را خواسته اند و نه اساسا اهمیتی به خواسته و نظر مردم داده اند؛ کار خودشان را کرده و در ادامه هم کار خودشان را می کنند؛ شاید در اولویت های شان رسیدگی به مشکلات معیشتی مردم و رفع مشکلات اقتصادی، ولی مشکلات اشتغال، از دواج و مسکن اعلام شود، ولی مردم در عمل تغییر مثبتی در زندگی خود احساس نمی کنند؛ و همین باعث می شود نسبت به گفته ها

لوله هایی به قطر قد آدم

حاشیه خلیج فارس را دیده و حتی درون این لوله ها که قطرش اندازه قد آدم است ایستاده و آکنش دیگر حاضرین در آن جمع جالب تر بود که نه تنها مخالفت نکردند بلکه زیر لب به مسئولان غر می زدند و می گفتند پس بگو چرا یکبار کشور با این کمبود آب مواجه شده است. البته از حق نباید گذشت این جو منفی را نمی توان به کل مردم نسبت داد؛ هستند کسانی که خود را از نظر اخلاقی مسئول می دانند و در مقابل این واکنش ها می گویند صرفه جویی وظیفه ما است چون هموطنانمان در سختی به سر می برند، این که دولت و مسئولان چه می کنند به گردن خودشان است. با این حال چیزی که در اکثر شهرنشینان دیده می شود به این شکل نیست و اغلب توجهی به هشدارهای کم آبی نشان نمی دهند.

این رویدادها هر روز در محیط زندگی ما رخ می دهد و تنها حاصل فضای بی اعتمادی است که بین بدنه جامعه و مسئولان حاکم است. مردم در

در اینجا